

بررسی حمایت‌های قانونی از بانوان در دعاوی خانوادگی: «چالش‌ها و راهکارها»

سید امیر حسینی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

دکتر مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، عضو هیات علمی Methodologica Governance University فرانسه، وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

قانونگذار جهت رسیدگی به دعاوی مختلف صلاحیت‌هایی را برای دادگاه‌ها تعیین نموده است، لذا دعاوی مطروحه با موضوع دعاوی خانواده، توسط زوجه باید به دادگاهی تقدیم گردد که واجد صلاحیت ذاتی و محلی بوده و صالح به رسیدگی است. به موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مرجع رسیدگی به دعاوی اموال منقول، دادگاه حوزه اقامت خوانده تعیین و به موجب مواد ۱۲ و ۱۳ قانون یاد شده، دادگاه صالح جهت تقدیم دادخواست اموال غیرمنقول و محل انجام تعهدات مشخص و تعیین شده است. سابقاً بانوان در تقدیم دادخواست‌های خود با موضوع دعاوی خانواده، ملزم به رعایت این مواد قانونی بودند. لذا در بسیاری از موارد از جمله تقدیم فیزیکی دادخواست، پیگیری پرونده‌ها، حضور در جلسات رسیدگی و انجام و پیگیری اجرای احکام، بانوان می‌بایست شرایط فوق الذکر را رعایت می‌نمودند که همین امر باعث ایجاد چالش‌های گوناگونی از جمله سفر به شهرهای دور از محل سکونت، اسکان، تحمیل هزینه سفر و حوادث احتمالی می‌گردید؛ لذا قانونگذار در سال ۱۳۹۱ با تصویب قانون حمایت خانواده، راهکارهایی در حمایت از بانوان ارائه نمود که بر اساس ماده ۱۲ این قانون، بانوان مخیر گردیدند تا در دعاوی خانوادگی، به جز در مواردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد، در محل سکونت خود نیز طرح دعوا نمایند. همچنین با تصویب این قانون تکلیف حضانت اطفال پس از مرگ والدین مجدداً تعیین گردید و برای دادگاه خانواده، قاضی مشاور زن پیش بینی شد و تعیین تکلیف حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی از دیگر راهکارهای حمایتی قانونگذار از بانوان در این قانون می‌باشد.

واژگان کلیدی: قانون حمایت خانواده، دعاوی خانوادگی، دادگاه خانواده، حضانت.

۱- مقدمه

تقدیم دادخواست در امور حقوقی و یا شکواییه در امور کیفری، تابع قوانین خاص آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری است. به عبارتی دیگر، برای تقدیم دادخواست‌های حقوقی، ناگزیر به رعایت مفاد قانون آیین دادرسی مدنی بوده و برای تقدیم شکواییه‌ها که مؤید دعوای کیفری است؛ ناچار به تبعیت از مفاد قانون آیین دادرسی کیفری خواهیم بود؛ هرچند که دعوای خانوادگی در دادگاه و مرجع اختصاصی خود رسیدگی می‌شود اما از لحاظ رعایت قوانین شکلی دادرسی در تشریفات و نحوه ابلاغ با استناد به ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱، از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تبعیت می‌نماید.

در دعوای خانوادگی که به تصریح ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، مصادیق آن مشخص شده است. «دادگاه خانواده» به عنوان «مرجع اختصاصی»، با استناد به رای وحدت رویه شماره ۷۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، صالح به رسیدگی بوده ضمن آن که باید صلاحیت نسبی (محلی) را نیز در طرح دعوای رعایت کرد که بدین لحاظ رعایت مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی الزامی می‌باشد.

پس از حدوث اختلاف مابین زوجین، اغلب محل زندگی زن و شوهر در ایام اختلافات خانوادگی از هم جدا بوده و زوجه در دعوای خانوادگی لاجرم به طرح و تقدیم دادخواست در محل اقامت زوج بود چرا که دعوای نفقه، اجرت‌المثل ایام زوجیت، استرداد جهیزیه و حتی مهریه- به شرطی که مال غیرمنقول نباشد- از جمله مصادیق اموال منقول محسوب شده و دادگاه محل اقامت خوانده، صالح به رسیدگی خواهد بود. این الزام در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تعیین گردیده که در صورت عدم رعایت صلاحیت دادگاه، با استناد به مواد ۲۶ و ۲۷ قانون یاد شده و یا بند ۱ ماده ۸۴ همان قانون، دادگاه مستنداً به بخش ابتدایی ماده ۸۹ قانون مارالذکر، نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت، به صلاحیت دادگاه صالح، رای صادر می‌کرد. در ماده ۱۳ قانون یاد شده نیز اختیار مضاعفی برای دعوای اموال منقول تعیین شده که دادگاه محل وقوع عقد و یا محل انجام تعهد را نیز به عنوان مرجع صالح در دعوای اموال منقول تعیین کرده است.

به طور معمول هنگامی که زوجه ناچار به تقدیم دادخواست با موضوعات دعوای خانوادگی می‌شد؛ ناگزیر به طرح دعوا در دادگاه حوزه اقامت زوج بود که در بسیاری از موارد، شهری غیر از محل اقامت زوجه بوده و مشارالیها لاجرم به طی مسافت‌های زیاد و سفرهای مکرر و متعدد به شهر محل وقوع دادگاه بود که این معضل، مشکلات فراوانی برای زنان ایجاد می‌کرد. هزینه‌های رفت و آمد و سفرهای بین شهری، خطرات جانی ناشی از این سفرها و حتی تهدیدات و خطراتی که در حین سفر برای ایشان بوجود می‌آمد، باعث شده بود تا حقوق این قشر در معرض تضییع قرار گیرد و از منظر معاندان نظام حقوقی کشورمان، زن‌ستیزی در قوانین موضوعه ایران بیداد کند که تصویب ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده، صلاحیت نسبی مضاعفی را برای زوجه ایجاد کرد تا در صورت طرح دعوا در موضوعات خانواده و در صورتی خواسته در زمره اموال منقول باشد، بتواند در محل اقامت خود نیز تقدیم دادخواست نماید.

در خصوص حضانت فرزندان نیز مشکلات عدیده‌ای پس از طلاق برای زوجه ایجاد می‌شد که با اصلاح قانون مدنی، پس از طلاق، حضانت صغار تا پایان سن هفت سالگی تمام به زوجه محول گردید و ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ نیز، ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی را مجدداً احیاء کرد و پس از مرگ زوج، اولویت حضانت فرزندان را به مادر تفویض نمود.

از دیگر اهداف مورد بررسی در این مقاله، موضوع حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی می‌باشد که مورد مذاقه قرار گرفته است.

در این مقاله، به توصیف برخی از موضوعاتی پرداخته شده است که قانونگذار در راستای حفظ حقوق زوجه، نسبت به اصلاح قوانین سابق و یا حتی تصویب قانون جدید مبادرت نموده تا ضمن رعایت احوال بانوان در دعوای خانوادگی، بسیاری از معضلات و مشکلات قضایی آنان نیز مرتفع گردد؛ که در حوصله بحث به تحلیل این اقدامات اشاره شده است.

۲- پیشینه تقنینی تحقیق:

قانون حمایت از خانواده، نخستین بار در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۳ نیز با تصویب قانون بعدی حمایت از خانواده، ارتقاء یافت. در قوانین یاد شده به بحث تعدد زوجات و نیز طلاق اشارات بیشتری شده بود و یکی از موارد بحث برانگیز در آن زمان، تعیین سن ازدواج حداقل ۱۸ سال برای دختران و حداقل ۲۰ سال برای پسران در قانون مصوب سال ۱۳۵۳ بود که اعتراض فقها را برانگیخت و چند هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، عملاً قانون حمایت از خانواده لغو و بلا اثر گردید.

در قوانین مذکور اشاره‌ای به محل تقدیم دادخواست‌های مربوط به دعاوی خانوادگی نشده بود و قانونگذار به ازدواج، طلاق و امور مربوط به تعدد زوجات، توجه بیشتری داشت.

مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز صلاحیت محاکم حقوقی را در طرح دعاوی مربوطه تعیین و بانوان را در تقدیم دادخواست‌های خود با موضوع خانواده، به رعایت مواد یاد شده ملزم نمود؛ که در بسیار از موارد، آنان را مجبور می‌کرد که برای تقدیم فیزیکی دادخواست، پیگیری پرونده‌ها، حضور در جلسات رسیدگی و انجام و پیگیری اجرای احکام، به دفعات به شهرهای مختلفی سفر کنند و به جبر مواد یاد شده که در زمره قوانین آمره قرار دارند، برای دعاوی خانواده، هزینه‌های سفر و خطرات بسیاری را متحمل شوند. تا این که قانونگذار در راستای حمایت از بانوان و خانواده، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۱، قانون اخیر حمایت خانواده را تصویب کرد که ماده ۱۲ این قانون، صلاحیت اضافی برای تقدیم دادخواست توسط زوجه در دعاوی خانوادگی ایجاد کرد و ماده ۴۳ این قانون نیز، موجب احیاء مجدد ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی شد. با توجه به رویکرد این مقاله بحث اصلی در خصوص موارد مذکور انجام خواهد شد.

۳- روش انجام تحقیق:

مخاطبان هدف در این مقاله بانوان بوده که قصد تقدیم دادخواست در دعاوی خانوادگی را داشته و توصیف صلاحیت اضافی برای دعاوی آنان مدنظر قرار دارد؛ همچنین اهداف دیگر این مقاله، بررسی وضعیت حضانت اطفال، پس از مرگ زوج، با عنایت به قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ می‌باشد و نیز موضوع حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی بوده که با توصیف مواد قانونی، به تحلیل محتوا پرداخته خواهد شد لذا روش استاندارد توصیفی-تحلیلی برای انجام این تحقیق در نظر گرفته شده است.

۴- تعاریف و کلیات:

الف) صلاحیت ذاتی:

ذات و ماهیت دعاوی قضایی، یا حقوقی است و یا کیفری، بدین لحاظ با رعایت صلاحیت ذاتی در امور حقوقی، دادگاه‌های عمومی حقوقی، صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به این دعاوی را داشته و در مقابل آن، در دعاوی که ذات آنها کیفری است، مراجع کیفری از قبیل دادسرا و دادگاه‌های کیفری، دارای صلاحیت ذاتی در امور کیفری می‌باشند. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن تبیین دعاوی حقوقی، صلاحیت ذاتی این دعاوی را نیز مطرح و شکل تقدیم دادخواست را تا مرحله قطعیت حکم و اجرا عنوان نموده است و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز همین موضوع را برای دعاوی کیفری تبیین کرده است.

ب) صلاحیت نسبی (محلی):

صرف وجود صلاحیت ذاتی در دعاوی کافی نبوده و اشخاص برای طرح دعاوی حقوقی نسبت به اموال منقول، باید دادگاه حقوقی صالح به رسیدگی را با توجه به شهر محل اقامت خوانده، حوزه دادگاه محل اقامت وی و حتی محل وقوع عقد یا انجام تعهد، مدنظر قرار

داده، سپس مبادرت به تقدیم دادخواست نمایند. در امور کیفری نیز شکایت خود را به دادرسی محل وقوع جرم تقدیم نمایند که به دلیل حقوقی بودن بحث، از غوص در آیین دادرسی کیفری پرهیز شده است.

پ) دادگاه خانواده:

قانونگذار در ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، صلاحیت دادگاه خانواده را در ۱۸ بند بیان نموده و مصادیق مندرجه را در صلاحیت دادگاه خانواده قانونگذاری کرده است. بدین لحاظ و مستند به رای وحدت رویه شماره ۷۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، «دادگاه خانواده مرجع اختصاصی» بوده که صرفاً صالح به رسیدگی در حوزه صلاحیت قانونی خود می‌باشد. همچنین مستند به نظریه شماره ۸۲۵/۹۵/۷ مورخ ۰۸/۰۴/۱۳۹۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «صلاحیت دادگاه خانواده نسبت به دادگاه عمومی از نوع صلاحیت ذاتی است».

ت) حضانت:

حضانت به معنای سرپرستی و نگهداری از صغیر بوده که یکی از مصادیق ولایت قهری پدر می‌باشد. حضانت از منظر قانونی در دو بخش حضانت اطفال پس از جدایی زوجین و حضانت اطفال پس از مرگ یکی از والدین مطرح شده است. رابطه‌ی حضانت و ولایت قهری رابطه عموم و خصوص مطلق می‌باشد؛ زیرا حضانت زیرمجموعه ولایت قهری بوده و یکی از مصادیق ولایت محسوب می‌گردد در صورتی که ولایت قهری، به جز بحث حضانت، دارای مصادیق دیگری نیز می‌باشد که با صرف حضانت و نگهداری تفاوت داشته و حتی در برخی از موارد مانند اذن در نکاح دختر باکره، تا پس از بلوغ دختر و تا زمان ازدواج وی استمرار دارد.

۵- حدود اختلاف و صلاحیت اضافی مندرج در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱:

پیش‌تر بیان شد صلاحیت ذاتی برای هر یک از موضوعات دعاوی مشخص می‌کند برای طرح دعاوی حقوقی، کدام مرجع صالح به رسیدگی است؛ برای طرح شکواییه‌های کیفری، کدام مرجع قضایی صلاحیت رسیدگی دارد و النهایه دادخواست‌های مرتبط با دعاوی خانوادگی باید به کدام مرجع تقدیم شود.

صلاحیت نسبی (محلی) نیز تعیین می‌کند دعاوی در کدام حوزه مورد رسیدگی قرار گیرد؛ با این وصف اگر مالی از شخصی ربوده شود، مورد کلاهبرداری واقع شده باشد یا فردی با خیانت در امانت، سند، چک یا نوشته‌ای از بزه‌دیده را به نفع خود و علیه وی مورد استفاده قرار داده باشد، قانون آیین دادرسی کیفری فرد بزه‌دیده را هدایت خواهد کرد که برای طرح شکواییه خود، اولاً به مراجع قضایی با صلاحیت ذاتی کیفری مراجعه کند و پس از آن در نظر داشته باشد که دادرسی عمومی و انقلابی صالح به رسیدگی خواهد بود که جرم در محدوده قضایی آن واقع شده باشد. لذا شعب تحقیقات در دادرسی مرجوع‌الیه، رسیدگی و تحقیقات لازم را انجام داده و در صورت جرم بودن عمل ارتكابی، مستند به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، قرار جلب به دادرسی و متعاقب آن مستند به ماده ۲۶۸ قانون مذکور، پس از صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه کیفری دو و یا سایر دادگاه‌های اختصاصی کیفری ارسال می‌گردد.

از سوی دیگر در دعاوی حقوقی نیز صلاحیت دادگاه از ارکان اصلی رسیدگی بوده و صرفاً دادگاه صلاحیت‌دار مجاز به پذیرش دادخواست تقدیمی و رسیدگی می‌باشد. با این توضیح بر حسب صلاحیت ذاتی، دادگاه‌ها تعیین می‌گردند که کدام دادگاه به دعاوی حقوقی رسیدگی نموده و مرجع رسیدگی به شکایات کیفری کدام است و نیز کدام یک از دادگاه‌ها و مراجع قضایی، صالح به رسیدگی دعاوی خانوادگی می‌باشد.

همچنین بر حسب صلاحیت نسبی دادگاه‌ها، تعیین می‌شود که دعاوی اقامه شده با موضوع مال منقول، در کدام مرجع قابل طرح است و صلاحیت رسیدگی به دعاوی حقوقی اموال غیر منقول کدام است.

ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در دعاوی مال منقول، دادگاه محل اقامت خوانده را صالح به رسیدگی دانسته و تصریح می‌نماید که این دعاوی باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامت دارد. ماده ۱۲ این قانون تصریح نموده است که دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر منقول در آن حوزه واقع است اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد. یکی دیگر از موارد مرتبط با این بحث ماده ۱۳ از قانون یاد شده است؛ در متن این ماده می‌خوانیم: «در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود». در حقیقت قانونگذار در ماده ۱۱ تکلیف تقدیم دادخواست در دعاوی راجع به اموال منقول را به طور عام تشریع نموده چراکه استعمال لفظ «باید» در ابتدای ماده افاده تکلیف و عمومیت می‌نماید و در ماده ۱۳ از همان قانون، تخصیصی بر عام ماده ۱۱ وارد کرده و در «دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد»، با استعمال واژه «می‌تواند»، خواهان و مکلف را مخیر ساخته که در این مورد تخصیص خورده، جهت تقدیم دادخواست «به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود».

تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده، زوجین جهت اقامه دعاوی مربوط به امور خانوادگی بر حسب نوع دعوا و صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها به مرجع صالح به رسیدگی مراجعه می‌کردند و چنانچه زوج قصد طرح دعاوی مربوط به مسائل خانوادگی را داشت ناگزیر به تبعیت از مواد ۱۱ الی ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بود و برای دعاوی چون طلاق، نفقه، اجرت‌المثل ایام زوجیت، نخله، مهریه، استرداد جهیزیه، حضانت و سایر دعاوی مشابه، لاجرم می‌بایست دادخواست خود را در محل اقامت خوانده (زوج) تقدیم می‌کرد. حال ممکن بود ناگزیر به اقامه دعوا در حوزه‌ی دوری در همان شهر محل سکونت باشد و یا حتی مجبور شود که برای تقدیم دادخواست به حوزه‌های قضایی شهرهای دیگر مراجعه نماید که این موضوع مشکلات عدیده‌ای را برای زوج ایجاد می‌کرد.

در نظر بگیریید زوجین پس از انشقاق و بروز اختلاف در دو نقطه بسیار دور از هم، در شهری زندگی می‌کردند و زوج برای طرح دعوا در امور خانوادگی ناگزیر به مراجعات مکرر به دادگاه محل سکونت خوانده بود که باعث بروز مشکلات و معضلات فراوانی برای زنان می‌شد. حال در نظر بگیریید زوج پس از بروز اختلاف و ترک منزل، به نزد خانواده‌اش در شهر و شهرستانی دور مراجعت می‌کرد که به طریق اولی به مشکلات ایجاد شده برای وی اذعان خواهید نمود. در برخی از موارد نیز عقد نکاح زوجین در محل اقامتگاه اول زوج (شهر یا منزل پدری) واقع می‌شد و زوجین برای زندگی مشترک به دلیل ایجاب شغلی، به شهر دیگری نقل مکان می‌کردند که در این حالت خاص، مشاهده گردیده که زوج، در شهر پدری اقدام به عقد قرارداد با وکیل دادگستری کرده و با توجه به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دعاوی مالی خود را که ناشی از عقد نکاح و مستند به سند رسمی نکاحیه بود، در شهر یاد شده اقامه می‌نمود. اما قانونگذار در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ و آیین نامه اجرایی آن در صدد حل معضل بانوان برآمده و تخصیص دیگری بر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی وارد نموده است. ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ در جهت رفع مشکل تقدیم دادخواست توسط زوج آورده است: «در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوج می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیر منقول باشد».

محل سکونت زوج الزاماً اقامتگاه زن شوهردار مندرج در ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی نیست

در بخش اول از ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی در خصوص اقامتگاه اشخاص آمده است: «اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت دارد و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد...». بر اساس ماده ۱۰۰۵ همان قانون، اقامتگاه زنان شوهردار تصریحاً تخصیص خورده و بر اساس این ماده: «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است مع‌ذلک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا به اجازه محکمه مسکن علیحده انتخاب کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته

باشد». لذا در صورت بروز اختلافات خانوادگی و در صورتی که زوجه بدون اذن و یا اجازه زوج، ترک منزل کرده باشد و یا توافقی بر مسکن جداگانه نشده باشد و دادگاه نیز اجازه‌ای مبنی بر مسکن علیحده زوجه صادر نکرده باشد؛ به نظر می‌رسد اقامتگاه زوجه در طرح دعاوی خانوادگی، همان اقامتگاه شوهر باشد. این شبهه با نص ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، مرتفع گردیده و در بخش مورد اشاره در منطوق ماده یاد شده، آمده است: «در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند...»، به واقع این ماده، اقامتگاه پیش‌بینی شده برای زنان شوهردار موضوع ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی را نقض نکرده و خللی بر آن وارد ننموده است، ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی نیز با این وصف نسخ نشده؛ بلکه تخصیصی بر ماده اخیر وارد شده است و محل سکونت زوجه با اقامتگاه وی دو محل مجزا بوده و خلط مبحثی وجود ندارد.

بر اساس نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۹۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه محل سکونت با محل اقامت تفاوت دارد؛ بنابراین گرچه ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی محل اقامت زن شوهردار را همان اقامتگاه شوهر می‌داند، اما چنانچه زن در محلی غیر از اقامتگاه شوهر سکونت داشته باشد، دادگاه محل سکونت وی ملاک قرار می‌گیرد. در این نظریه صراحتاً آمده است: «آن چه ملاک صلاحیت دادگاه برابر ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ می‌باشد، «محل سکونت» زوجه است نه «محل اقامت» وی و این دو اصطلاح با هم مترادف نیستند».

همچنین نظریه شماره ۷/۹۵/۱۱۹۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به دو سوال:

۱- منظور از محل سکونت مندرج در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ چه می‌باشد؟

۲- آیا محل سکونت موقت زوجه مجوز صلاحیت دادگاه می‌باشد؟

بدین شرح صادر شده است: «نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

منظور از محل سکونت زوجه در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، محلی است که زوجه به عنوان محل زندگی برای سکونت خود بر می‌گزیند. بنابراین، محلی که فرد به عنوان مسافر در آن ساکن است، از شمول ماده مزبور خارج است. از سوی دیگر لازم نیست فرد، قصد سکونت همیشگی در آن محل داشته باشد تا آن محل، محل سکونت وی تلقی شود و در هر حال تشخیص آن با عرف است».

صلاحیت اضافی ماده ۱۲، محدود به بندهای مندرج در ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱

صلاحیت مضاعفی که ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ برای بانوان پیش‌بینی کرده است، با شرایط زیر قابل اعمال خواهد بود:

الف) صرفاً در موضوعات صلاحیت دادگاه خانواده مندرج در ماده ۴ قانون مذکور باشد. لذا در صورتی که خواسته زوجه مواردی خارج از مصادیق ماده ۴ قانون یادشده باشد، دادگاه خانواده صالح به رسیدگی نبوده و رعایت قوانین شکلی تقدیم دادخواست و یا شکواییه برای زوجه الزامی است.

ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱:

رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است :

۱- نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن

۲- نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح

۳- شروط ضمن عقد نکاح

۴- ازدواج مجدد

۵ - جهیزیه

۶ - مهریه

۷- نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت

۸ - تمکین و نشوز

۹- طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن

۱۰- حضانت و ملاقات طفل

۱۱- نسب

۱۲- رشد، حجر و رفع آن

۱۳- ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان

۱۴- نفقه اقارب

۱۵- امور راجع به غایب مفقود الاثر

۱۶- سرپرستی کودکان بی سرپرست

۱۷- اهدای جنین

۱۸- تغییر جنسیت

صلاحیت دادگاه خانواده صرفاً محدود به بندهای تعیین شده در ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است و دعاوی کیفری موضوع ماده ۴۹ به بعد این قانون، وفق قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌شود، بنابراین در مورد ضرب و جرح و سایر دعاوی کیفری محل وقوع جرم ملاک صلاحیت است.

ب) خواسته از مصادیق دعاوی خانوادگی باشد.

در صورتی که خواسته از مصادیق دعاوی خانوادگی فی مابین زوجین نباشد، زوجه نمی تواند با استناد به ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ در محل سکونت خود اقامه دعوا نماید. به عنوان مثال، آپارتمانی از سوی زوج به زوجه به فروش رسیده است که در قالب مهریه نبوده و بیع عادی و حال انجام شده است؛ در صورتی که زوجه قصد تقدیم دادخواست با موضوع «الزام خوانده (زوج-فروشنده) به تنظیم سند رسمی ملک را داشته باشد رعایت قواعد شکلی قانون آیین دادرسی مدنی الزامی بوده و ضمن آن که موضوع در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی می باشد، خواهان ملزم به طرح دعوا در محل وقوع ملک خواهد بود.

پ) دعوا فی مابین زوجین مطرح باشد.

ت) خواسته زوجه، مطالبه مهریه غیرمنقول نباشد.

ملاحظه می شود:

الف) ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ از نظر زمان تصویب، پس از ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی بوده است.

ب) چون موضوع مطرح شده در این ماده، دایره شمول ماده ۱۱ قانون یاد شده را خاص نموده پس تخصیصی بر این ماده وارد نموده است. ضمن آن که این تخصیص فقط برای موضوعاتی خاص از دعاوی خانوادگی و مختص زوجه می باشد.

پ) این ماده در خصوص تقدیم دادخواست، در دعاوی اموال منقول موضوعیت داشته و اقامه دعوی در اموال غیرمنقول، همچنان تابع ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی خواهد بود.

ت) ماده مورد بحث دومین تخصیص وارد شده بر ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی بوده چرا که اولین تخصیص وارده بر این ماده، همانگونه که پیش تر نیز ذکر شد، ماده ۱۳ قانون یاد شده است.

ث) تمامی شرایط ذکر شده در این بحث باید برای استفاده زوجه از صلاحیت مضاعف مندرج در ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ وجود داشته باشد.

بدین ترتیب:

✓ زوجه در دعاوی خانوادگی در صورتی که دعوی وی در خصوص مهریه غیرمنقول نباشد؛ می تواند «در محل اقامت خوانده، در

حوزه و محل عقد نکاح یا انجام تعهد و یا در محل سکونت خود» اقامه دعوی نماید.

با وصف مراتب یاد شده، در صورتی که شرایط مذکور به طور کامل وجود داشته باشد، زوجه می تواند از صلاحیت مضاعف مندرج در

ماده ۱۲ قانون یاد شده استفاده نموده و مطابق قانون مخیر است در دادگاهی اقامه دعوی نماید که از لحاظ رفت و آمد و پیگیری

راحت تر بوده و مشکل کمتری داشته باشد. لذا قانونگذار با این تدبیر حمایت خود را از زنان در دعاوی و امور خانوادگی اعلام نموده

است.

۶- قاضی مشاور زن مستند به ماده ۲ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱:

با پیش بینی قاضی مشاور زن در دادگاه های خانواده نیز چتر حمایتی دیگری برای زنان در قانون پیش بینی شده است. قانونگذار

در ماده ۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ وجود قاضی مشاور زن در دادگاه های خانواده را الزامی نموده و آورده است:

« ماده ۲- دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند».

با پیش بینی قانونگذار در متن ماده یاد شده، قاضی مشاور زن باید پس از بررسی وضعیت پرونده در خصوص دعاوی خانوادگی، در مدت تعیین شده سه روزه اظهار نظر نماید. در حقیقت اظهار نظر قاضی مشاور زن، نقشی مهم و اساسی در صدور رأی در پرونده داشته که طبق قانون باید مستند، مستدل و مکتوب باشد، قاضی صادر کننده رأی (رئیس شعبه دادگاه خانواده) در رأی صادره به نظر وی اشاره می‌نماید و در صورت مخالفت با آن جهات و دلایل خود را اعلام می‌کند. لذا قاضی مشاور زن با بررسی اوضاع پرونده، موجبات احقاق حقوق بانوان را ایجاد نموده و به عنوان نماینده محاکم، از حقوق زنان دفاع می‌نماید. در سال‌های گذشته، حضور قاضی مشاور زن در شعب دادگاه‌های خانواده مشاهده می‌گردید؛ لیکن هم‌اکنون این مقام پیش‌بینی شده در قانون، در بسیاری از دادگاه‌های خانواده دیده نمی‌شود که نقص قانونگذار نبوده بلکه نقص بر مجری قانون وارد است.

۷- حضانت اطفال:

حضانت یا نگهداری طفل در خانواده، با استناد به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، هم حق ابویین است و هم تکلیف پدر و مادر. به واقع ابویین هم محق در نگهداری فرزندان می‌باشند و هم مکلف به نگهداری اطفال هستند. لذا مشاهده می‌گردد حق و تکلیف دو واژه مجزا بوده که مدنظر قانونگذار قرار گرفته است. هر چند که به نظر می‌رسد، بین حق و تکلیف موضوع ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار باشد.

حضانت موضوع ماده یاد شده را باید در دو بخش زیر مورد مذاقه قرار داد:

الف) حضانت اطفال پس از جدایی ابویین

ب) حضانت اطفال پس از مرگ یکی از والدین

که در حد حوصله بحث، به آن پرداخته می‌شود

الف) حضانت اطفال پس از جدایی ابویین :

توجهاً به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی: «برای حضانت و نگهداری طفلی که ابویین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است». لذا تکلیف حضانت اطفال، پس از جدایی والدین مشخص بوده و دادگاه‌های خانواده، در صدور احکام خود به این ماده توجه خاص داشته و تا پایان هفت سالگی طفل، بدون در نظر داشتن جنسیت اطفال، حضانت را به مادر می‌دهند مگر آن که به گونه دیگری بین زوجین توافق شده باشد و یا آن که زوجه صلاحیت نگهداری اطفال را نداشته و یا مستند به ماده ۱۱۷۰ از همان قانون، در زمانی که حضانت با مادر است، مبتلا به جنون شده و یا با دیگری شوهر کند».

ب) حضانت اطفال پس از مرگ یکی از والدین:

از دیگر مباحثی که قانونگذار در قانون حمایت خانواده آن را مد نظر قرار داده و از بانوان حمایت نموده است، «حضانت اطفال پس از مرگ پدر» می‌باشد.

از دغدغه‌های سابق بانوان، بحث حضانت و نگهداری اطفال پس از فوت شوهرشان بود که در دسرهای فراوانی را برای زنان بعد از مرگ همسر ایجاد می‌کرد. ادعاهای جد پدری در نگهداری از فرزندان صغیر، جدا کردن اطفال از مادران توسط خانواده پدری و سایر مشکلاتی که برای خانواده‌های شوهر از دست داده پیش می‌آمد. از سمت دیگر فرزندان صغیر بجا مانده را نیز با مشکلات حاد و جدی پس از فوت پدرشان مواجه می‌کرد. خانواده زوج پس از فوت وی، از حضانت مادر خودداری نموده و سعی در جدا ساختن مادر و فرزندان از هم می‌کردند و قانون هم صرفاً به ولایت جد و اقوام پدری اشاره کرده و حضانت را تابع آن قرار می‌داد. توجهاً به این مهم که در ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی، تصریح شده است که: «در صورت فوت یکی از ابویین، حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود، هر چند متوفی پدر

طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد». با وصف وجود این ماده قانونی، بعد از فوت زوج، مشکلات عدیده‌ای برای حضانت مادر از سوی جد پدری ایجاد می‌شد و مادران را محروم از حضانت اطفال خود پس از مرگ زوج می‌نمود. قانونگذار با اتخاذ سیاستی کاملاً معقولانه با در نظر قراردادن حال مادر و مصلحت و غبطه فرزندان پس از فوت پدر، در ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده^۱ مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ این دغدغه بانوان را پایان داد و صراحتاً حضانت مادر را تبیین کرده است. با تشریع این ماده قانونی، به نوعی ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی نیز دوباره احیاء گردید و برای حضانت این دسته از فرزندان، قانونگذاری مجدد و تأکید قانونی صورت گرفت. با توجه به رویکرد ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده ملاحظه می‌شود که قانونگذار به واگذاری حضانت این دسته از فرزندان به مادر امر کرده و تکلیف را به طور کامل مشخص نموده است و موجبات احیای ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی را نیز مجدد ایجاد کرده است اما برای این حکم، با شرایط ذیل استثنایی قائل شده و در صورتی حضانت را به ولی قهری محول می‌نماید که:

- ✓ ولی قهری یا دادستان از دادگاه تقاضا نموده باشند.
 - ✓ مصلحت فرزند در خطر بوده و حضانت مادر خلاف مصلحت فرزند باشد.
 - ✓ دادگاه این موضوع را تشخیص داده باشد.
- در غیر این مورد، حضانت اطفال پس از مرگ پدر، به حکم قانون به مادر محول شده است و غیر قابل سلب از وی می‌باشد. تأکید مؤکد می‌شود که حضانت و نگهداری از طفل صغیر، تنها یکی از مصادیق ولایت قهری پدر و جد پدری می‌باشد و خدشه‌ای بر ولایت قهری جدپدری، پس از فوت پدر وارد نمی‌سازد.
- ماده یاد شده، با قانونی نمودن حضانت و نگهداری اطفال توسط مادر پس از مرگ شوهر، این امکان را به مادران داده که با وصف دارا بودن حضانت فرزندان صغیر خود، به سهولت بتوانند قیمومت (قیومیت) این اطفال را نیز از دادرای امور سرپرستی درخواست نموده و در دادگاه‌های خانواده مستقر در مجتمع قضایی امور حسبی، موفق به اخذ قیمومت فرزندان صغیر خود شوند. چرا که مستند به بند ۱۳ از ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، رسیدگی در موضوع قیمومت، در صلاحیت دادگاه خانواده می‌باشد.

۸- حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی:

موضوع حقوق وظیفه و مستمری زوجه دائم متوفی از دیگر مصادیق حمایتی قانون از بانوان پس از مرگ شوهر می‌باشد؛ هر چند که در ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ فرزندان نیز در دایره شمول حمایتی قرار دارند، لیکن در بحث این مقاله به وضعیت بانوان پرداخته شده است.

در قانون سابق، زوجه دائم پس از فوت شوهر از حقوق وظیفه یا مستمری وی بهره برده و در کنار سایر وراث قانونی آن را تا زمانی دریافت می‌کرد که ازدواج مجدد نکرده باشد، اما به محض ازدواج، حقوق و مستمری وی قطع می‌شد و دیگر از آن بهره‌ای نداشت. قانونگذار در بندهای ۱، ۲ و ۴ ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ و مواد ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ رئیس قوه قضاییه، قطع مستمری را منتفی دانسته که رویکرد جدید، موجب گسترش چتر حمایتی بر بانوان پس از فوت شوهر شده است.

الف) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱:

«ماده ۴۸- میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های خاص به ترتیب زیر است:

۱- زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می‌گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست و در صورت فوت

^۱ «ماده ۴۳- حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد».

شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل است. تبصره - اگر متوفی چند زوجه دائم داشته باشد حقوق وظیفه یا مستمری به تساوی بین آنان و سایر وراث قانونی تقسیم می‌شود.

۲- دریافت حقوق بازنشستگی یا از کارافتادگی، مستمری از کارافتادگی یا بازنشستگی حسب مورد توسط زوجه متوفی مانع از دریافت حقوق وظیفه یا مستمری متوفی نیست.

۳- فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن بیست سالگی و بعد از آن منحصرأ در صورتی که معلول از کار افتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان یا حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می‌گردند.

۴- حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مطابق ماده (۸۷) قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۰۳/۳۱ و اصلاحات بعدی آن و با لحاظ ماده (۸۶) همان قانون و اصلاحیه‌های بعدی آن، تقسیم و پرداخت می‌گردد.

تبصره - مقررات این ماده در مورد افرادی که قبل از اجراء شدن این قانون فوت شده اند نیز لازم الاجراء است».

(ب) آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ رئیس قوه قضاییه:

«ماده ۲۵- حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی کلیه کارکنان شاغل و بازنشسته مشمول صندوق بازنشستگی کشوری مطابق ماده ۸۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۰۳/۳۱ و اصلاحات بعدی آن و با لحاظ ماده ۸۶ همان قانون و اصلاحیه‌های بعدی آن تقسیم و پرداخت می‌گردد.

ماده ۲۶- ازدواج دائم همسر متوفی مانع دریافت حقوق وظیفه (مستمری بازماندگان) زوج متوفی نمی‌باشد. صندوق های بازنشستگی و تأمین اجتماعی مکلفند در مورد همسرانی که مستمری آنها به علت ازدواج مجدد قطع گردیده، نسبت به برقراری مستمری قطع شده از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون اقدام نمایند. در هر صورت مجموع مستمری بازماندگان مربوط به همسر متوفی و سایر وراث نباید از حداقل مستمری مربوط به هر صندوق کمتر باشد.

ماده ۲۷- زوجه متوفی، در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق وظیفه (مستمری بازماندگان) به زوجه در اثر آن، از مستمری که مبلغ آن بیشتر است برخوردار خواهد شد. همسر متوفی مکلف است در اینگونه موارد مراتب برخورداری از مستمری دوم را به صندوق های بازنشستگی مربوط اطلاع دهد. در صورت عدم اقدام و دریافت مستمری مضاعف، صندوق بازنشستگی که مستمری پرداختی آن کمتر است مجاز خواهد بود کلیه مستمری‌های پرداختی و سایر هزینه‌هایی را که من غیر حق دریافت شده براساس آخرین مستمری دریافتی و تعرفه‌های جاری مربوط به سایر هزینه‌ها از زوجه وصول نمایند».

قانونگذار دریافت حقوق و مستمری زوجه دائم را حتی پس از ازدواج مجدد قانونی دانسته و حتی اگر شوهر بعدی نیز فوت نماید بازهم زوجه را مستحق مستمری مضاعف می‌داند و وی را از مستمری که مبلغ آن بیشتر است برخوردار می‌نماید. این موضوع در قوانین گذشته سابقه تشریع نداشته و قانون حمایت خانواده، موضوعات حمایتی خود از بانوان را افزایش داده تا این قشر از زنان کشور پس از فوت شوهر، در عسر و حرج و تنگنا قرار نگیرند و بتوانند از حقوق اجتماعی بهره‌مند شده و پس از فوت شوهر در مضیقه مالی گرفتار نشوند.

حال اگر شوهری فوت شد و حقوق مستمری نداشت و یا پس از مرگ اموالی از وی به جا نماند این نقص قانون و قانونگذار و بی- توجهی به زنان محسوب نمی‌شود و یا اگر زوجه‌ای پس از فوت شوهر، به دلایل مختلف از جمله سوء سابقه کیفری و یا عدم صلاحیت اخلاقی و یا حتی مالی، صلاحیت نگهداری و حضانت فرزندان را نداشت و از طریق دادگاه صالحه سلب صلاحیت شد، ظلم به او و فرزندانش نبوده و نیست. قانونگذار با وضع قوانین جامع و فراگیر سعی در سالم سازی جامعه داشته و با بررسی همه جانبه مشکلات موجود در مسیر قضایی بانوان، تلاش می‌کند که مشکلات این گروه از زنان را تا حد امکان مرتفع نموده و یا به طور چشمگیری کاهش دهد به شرط آن که شرایط مورد نظر قانونگذار در هر یک از مصادیق یاد شده موجود باشد. از سویی دیگر، رعایت حال بانوان در قانون به

منزله ظلم به مردان نیست، بلکه به گونه‌ای سعی در برابری کفه ترازوی قانونی شده تا قسط و داد در دستگاه عاقله قضایی برقرار شود. با وضع قوانین یاد شده شائبه‌ی نابرابری در دستگاه قضایی نیز منتفی و زبان یاوه گویان کوتاه گشته است.

نتیجه‌گیری

بانوان پس از حادث شدن اختلافات خانوادگی، اغلب از اقامتگاه خود در منزل شوهر جدا شده و یا در نزد خانواده پدری ادامه زندگی می‌دهند، یا منزل جداگانه‌ای برای خود تهیه و جدای از شوهر زندگی می‌کنند. اوج اختلافات زوجین، با تقدیم دادخواست‌ها و شکواییه‌های مختلفی علیه یکدیگر، نمود پیدا کرده و به گونه‌ای، هر یک از آنان قصد احقاق حقوق خود را داشته و حتی قصد اطاله دادرسی، ایذاء و یا انتقام‌جویی از هم را دارند.

زوجه برای طرح دعاوی با موضوعات خانواده، از قبیل دعاوی مطالبه نفقه، مطالبه اجرت‌المثل ایام زوجیت، استرداد جهیزیه، مطالبه مهریه و سایر موضوعات، ناگزیر به تقدیم دادخواست در محل اقامت خوانده بود و در دعاوی تقدیمی از سوی زوج از قبیل اعسار از پرداخت دفعتاً واحده محکوم به، اعسار از هزینه‌های دادرسی در مراحل بدوی و تجدیدنظر و غیره که باید به مرجع صادر کننده حکم محکومیت (دادگاه محل اقامت وی) تقدیم شود، زوجه را برای رفت و آمد و پیگیری پرونده‌های قضایی به عسر و جرح می‌انداخت. دعاوی غیرمالی از قبیل طلاق به درخواست زوجه، ملاقات فرزند، حضانت فرزندان و مواردی از این دست نیز بر تعداد دادخواست‌های تقدیمی زوجه در محل اقامت خوانده (زوج) اضافه می‌کرد و طی مسیر دادگاه‌های صالح و سفرهای مکرر به شهر محل اقامت خوانده، خطرات فراوانی را برای زنان به دنبال داشت که جوان بودن این افراد، خطرات و تهدیدهای جسمی و جنسی فراوانی را نیز در پی داشت.

قانونگذار با تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱، بخش اعظمی از این خطرات را مرتفع نمود و مستند به ماده ۱۲ این قانون، با تصویب صلاحیت نسبی (محلی) مضاعف برای زوجه، وی را مخیر ساخت که برای تقدیم دادخواست در موضوعات ماده ۴ همان قانون که در صلاحیت دادگاه اختصاصی خانواده قرار دارد، بتواند علاوه بر طرح دعوا در محل اقامت خوانده، در محل اقامت خود نیز اقامه دعوی نماید به شرطی که دعاوی وی مطالبه مهریه با موضوع مال غیرمنقول نباشد که در این صورت اعمال ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، الزامی می‌باشد.

با تصویب صلاحیت محلی اضافی برای بانوان، زوجه مخیر است با استناد به ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دعاوی خود را با موضوعات مال منقول و دعاوی خانوادگی به دادگاهی تقدیم کند که اقامتگاه خوانده (زوج) در آن حوزه واقع شده است و یا مستند به ماده ۱۳ همان قانون در محل وقوع عقد رسمی نکاح و یا محل انجام تعهدات مالی زوج، طرح دعوی نماید و النهایه با استناد به ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، دعاوی با موضوعات خانواده را در دادگاه خانواده مستقر در حوزه قضایی اقامتگاه خود، طرح و تقدیم نماید.

از رویکردهای مثبت و قابل تأمل در قانون اخیر حمایت خانواده، تعیین تکلیف حضانت اطفال صغیر، پس از فوت شوهر بوده که هر چند ولایت قهری جد پدری را مخدوش نمی‌کند، لیکن حضانت اطفال صغیر را پس از مرگ زوج، به زوجه محول کرده که ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی را به نوعی احیاء و قابل استفاده نموده است، زیرا تلاش‌های جد پدری و خانواده پدری، در خصوص حضانت اطفال صغیر بجامانده از پسر مرحوم‌شان، مشکلات بسیار زیادی را برای همسر فرزند فوت شده و فرزندان وی ایجاد می‌کرد که باعث بروز اختلافات شدید و طرح دعاوی متعدد علیه یکدیگر می‌شد. قانونگذار با تصویب ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱، این معضل را مرتفع کرده و جای بحث و طرح دعوا را از جد پدری و خانواده وی در خصوص حضانت، سلب کرده است.

هرچند در ماده ۴۸ قانون مارالذکر، حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم و سایر فرزندان اناث و ذکور با شرایط مندرج در قانون بیان شده است، لیکن با توجه به موضوع تحقیق، صرفاً به حقوق وظیفه یا مستمری متعلق به زوجه پرداخته شده است که حتی در صورت ازدواج مجدد وی پس از برقراری حقوق و مستمری وی پس از مرگ شوهر سابق، این حقوق و مستمری قطع نشده و در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل بوده و به وی پرداخت خواهد شد.

مراجع

- شمس، عبدالله، ۱۳۹۸، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ ۴۲، انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله، ۱۴۰۱، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و آیین نامه آن، چاپ بیست و هشتم، انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله، ۱۳۹۷، قانون حمایت خانواده و مقررات مرتبط، چاپ نهم، انتشارات دراک.
- محمدتقی زاده، مهدیه؛ افراس، غلامحسین؛ صالح احمدی و سایر نویسندگان، ۱۴۰۰، قوانین حمایت خانواده در نظم حقوقی کنونی، انتشارات مجد.
- مهاجری، علی، ۱۴۰۲، دوره جدید مبسوط در آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، انتشارات فکر سازان.
- مهاجری، علی، ۱۳۸۲، شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ رئیس قوه قضاییه.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی.
- قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۴۶.
- قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۵۳.
- قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱/۱۲/۰۱.
- قانون مدنی
- خوش سلوک، مهران، ۱۴۰۲، قانون حمایت خانواده و رعایت حال بانوان در دعاوی خانوادگی، عصر اقتصاد، کد خبر ۳۰۰۴۰۲۱۳۳۳۳۹، ۱۴۰۲/۰۴/۳۰.

Review of Legal Protections for Women in Family Litigation: "Challenges and Solutions"

Seyyed Amir Hosseini

Master's Degree Graduate in Private Law, Islamic Azad University, Karaj Branch.

Dr. Mehran khoshsolook

PhD in law, member of the faculty of Methodologica Governance University, France, attorney at law

Abstract

The legislator has established specific competencies for the court to address various lawsuits. Therefore, family-related lawsuits must be submitted by the wife to a court that has both inherent and local jurisdiction and is competent to hear the case. According to Article 11 of the Code of Civil Procedure for Public and Revolutionary Courts, the jurisdiction for hearing lawsuits regarding movable property is determined by the court in the area of residence of the defendant. Articles 12 and 13 of this law specify the competent court for filing claims regarding immovable property and the location of the fulfillment of obligations. Previously, women were required to comply with these legal provisions when filing family lawsuits. As a result, in many cases such as the physical submission of petitions, following up on cases, attending hearings, and executing judgments women had to adhere to these conditions. This created various challenges, including travel to distant cities, accommodation, travel expenses, and potential incidents. In response, the legislator introduced measures in 2012 through the Family Support Law, which allowed women to file family lawsuits in their place of residence, except in cases where the claim involved the demand for immovable property. Additionally, this law redefined custody of children after the death of parents, provided for a female advisor judge in family courts, and addressed the rights and duties related to the pension of the deceased's permanent wife as other supportive measures for women.

Keywords: Family Support Law, family lawsuits, family court, custody.